

کنفرانس جهانی بر ضد جنگ و برای صلح



بود، گرد آمدند تا مخالفت خود را با سیاست های جنگ طلبانه امپریالیسم آمریکا و خطراتی که جهان از سوی جنگی دیگر تهدید می کند، اعلام کنند. این کنفرانس پر اهمیت جهانی از سوی جنبش "جنگ را متوقف کنید" در انگلستان که در سال های اخیر

۱۲۰۰ نماینده از ۲۶ کشور جهان، از جمله از آمریکا، کانادا، جمهوری چک، دانمارک، فرانسه، آلمان، یونان، ایرلند، مصر، لبنان، فلسطین، ایتالیا، ایسلند، هلند، نروژ، پاکستان، لهستان، ایران، عراق، ترکیه، اسپانیا، سومالی، کره جنوبی و سوئیس در لندن، در محلی که ۶۲ سال پیش کنفرانس تشکیل سازمان ملل در آن برگزار شده

ادامه در صفحه ۳



ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۷۷۹، دوره هشتم
سال بیست و یکم ۱۷ آذر ماه ۱۳۸۶

اصلاح اساسی "قانون کار": عقب نشینی موقت وزارت کار

به دنبال انتشار شایعه استعفای وزیر کار و موضعگیری های جهرمی در خصوص تقویت سهم وزارت کار در تصمیم گیری های اقتصادی دولت، در اوایل آذر ماه رسانه های همگانی گزارش دادند که، وزیر کار و امور اجتماعی از منتفی شدن اصلاح اساسی قانون کار خبر داده است!
روزنامه "اعتماد" در این باره نوشت: "وزیر کار و امور اجتماعی از اصلاح فقط ۸ تا ۱۰ ماده قانون کار خبر داد و گفت این قانون به دلیل آنکه بعد از قانون اساسی هم عرض قوانین مهم کشور است،

ادامه در صفحه ۲

بدرود ژاله اصفهانی در ص ۵

سرکوب فعالان زن، پاسخ رژیم به زنان مبارز و صلح جوی ایران

در هفته های اخیر در پی افزایش فشار به جنبش دانشجویی کشور نیروهای ملی و مترقی، فشار و سرکوب بر ضد فعالان زن نیز شدت بی سابقه ای یافته است. از احضار به دادگاه، پرونده سازی، بازداشت و تعین وثیقه های سنگین گرفته تا بستن سایت و دستگیری روزنامه نگاران زن و وب سایت نویسان. از جمله سایت زنستان (که بالاخره پس از چندین بار فیلتر شدن بالاخره مسدود

ادامه در صفحه ۳

۱۶ آذر، روز تولد شعار "اتحاد، مبارزه، پیروزی"، و روز دانشجو فرخنده باد!

بایبندی تحسین برانگیز جنبش دانشجویی با آرمان های والای ۱۶ آذر



با فرارسیدن ۱۶ آذر ۱۳۸۶، پنجاه و چهار سال از یورش گزمگان رژیم وابسته شاه به جنبش دانشجویی و به خون کشیده شدن دانشجویان مبارز دانشکده فنی دانشگاه تهران، گذشت. سنت مقاومت قهرمانانه بی که در ۱۶ آذر ۱۳۳۲ توسط پیشازان جنبش دانشجویی کشور پایه گذاری شد تا به امروز همچنان ادامه یافته و جنبش دانشجویی کشور با وجود همه دشواری های سال های اخیر و با وجود شهدا و مبارزان بیشماری که در طول پنج دهه گذشته جان شریف خود را بر سر این آرمان فدا کرده اند همچنان به پیکار دلیرانه خود بر ضد استبداد و ارتجاع حاکم ادامه داده و می دهد. برگزاری ۱۶ آذر

ادامه در صفحه ۶ و ۷

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه!»

ادامه اصلاح اساسی قانون کار...

بحث تغییر آن با اصلاحات زیاد منتفی شده است... بعضی ها انتظار انجام تغییرات بیش از ۱۰۰ ماده بی را از کل ۲۰۳ ماده قانون کار دارند ولی ما در وزارت کار و امور اجتماعی با بررسی های کارشناسی و کامل به این نتیجه رسیدیم که جز ۸ تا ۱۰ ماده قانون کار، دیگر مواد قانون کار نیازی به اصلاح ندارد.

به گزارش همین روزنامه، محمد جهرمی در پایان سخنان خود تاکید کرد: "ما در انجام این کار [اصلاح قانون کار] هیچ عجله ای نداریم و امیدواریم تا پایان برنامه چهارم بتوانیم با کمک دولت، مجلس، کارگران و کارفرمایان این اصلاحات را که مورد نیاز کشور است تهیه کنیم." عقب نشینی وزارت کار از اصلاح اساسی قانون کار، در درجه اول انگیزه سیاسی داشته و به معادلات قدرت در میان جناح های رژیم مربوط می شود. هراس ارتجاع حاکم از نارضایتی روبه گسترش کارگران از سیاست های دولت احمدی نژاد، و نقش موثر زحمتکشان در تحولات، دلایلی است که وزارت کار را به عقب نشینی موقت وا داشته است، اما اقدامات و سیاست های ضد کارگری در عرصه های مختلف همچنان ادامه دارد.

جهرمی، طی نشستی با گروهی از کارشناسان، ۲۱ آبان ماه، یادآوری کرد: "وزارت کار شمای سازمانی خود را براساس ماموریت خود تعریف کرده و به دنبال جهش در اقتصاد مولد کشور است، دبیر خانه شورای اشتغال از سازمان مدیریت به وزارت کار منتقل شده، زیرا در ۱۰ سال گذشته به دلیل حجم کاری آن سازمان این شورا تشکیل نشده بود و در حال حاضر به دلیل اهمیت مسئله کارگری [خوب توجه کنید اهمیت مسئله کارگری] شورا در حضور رهبر انقلاب [خامنه ای] تشکیل شده است."

جهرمی در ادامه افزود: "نگاه وزارت کار ضمن توسعه کار اشتغال، حفظ اشتغال موجود هم هست، اشتغال مازاد دستگاه ها خود مانعی برای اجرای درست سیاست های کلی اصل ۴۴ است، به عنوان وزیر کار برای نخستین بار بحث اصلاح قانون کار را مطرح کردیم." وزیر کار دولت ارتجاع سپس ضمن توضیح وظایف این وزارتخانه، به ویژه در مورد پیاده کردن ابلاغیه اصل ۴۴ و شتاب بخشیدن به خصوصی سازی و تامین امنیت سرمایه، خاطر نشان ساخت: "بیمه بیکاری در جامعه به شکل نادرست جا افتاده که فقط برای کارگر است، بلکه کارفرما در جهت پایداری بنگاه خود نیز باید از آن استفاده کند، از تعدیل نیروی انسانی توسط کارفرمایان استقبال می کنیم به شرطی وزارت کار با این مسئله موافق است که هزینه کارگر توسط کارفرما پرداخت شود."

از دیگر سو، و در پیوند با موضعگیری جهرمی، معاون وزیر کار طرحی را اعلام داشت که به اصطلاح براساس آن بنگاه های اقتصادی جهت افزایش اشتغال ثابت می یابند. خبرگزاری "ایسنا"، ۲۰ آبان ماه، در این باره گزارش داد: "بررسی طرح پایداری بنگاه های اقتصادی در وزارت کار و امور اجتماعی جریان دارد. معاون وزیر کار اظهار کرد، این طرح که از راهکارهای افزایش ضریب پایداری بنگاه های تولیدی است که جزئیات آن پس از نهایی شدن اعلام می شود. وی از اختصاص ۲۸ هزار میلیارد ریال کمک مالی به بنگاه های اقتصادی دارای مشکل [بخوان مراکز و کارخانه های در حال رکود] خبر داد و افزود در شش ماه اول امسال ۴۵۰ واحد مشکل دار از کمک های دولت بهره مند شده اند که نسبت به شش ماهه اول سال گذشته شاهد رشد ۲۰۰ درصدی در این بخش از وظایف محوله در وزارت کار و امور اجتماعی بودیم."

تمام این گونه تبلیغات در زمانی صورت می گیرد که وزارت کار دولت احمدی نژاد در راستای تامین منافع کلان سرمایه داری، به ویژه سرمایه بزرگ تجاری، پیگیرانه حرکت می کند. اصلاح ۸ تا ۱۰ ماده قانون کار، معافیت کارفرمایان از سهم بیمه، مانع تراشی در راه تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری از جمله اقداتی هستند که تاکنون از سوی وزارتخانه فوق در راستای ابلاغیه اصل ۴۴ و تامین امنیت سرمایه صورت گرفته و می گیرد. جالب اینجاست که چندی پیش برخی از

اعضای "هیات نظارت بر عملکرد سازمان تامین اجتماعی" ضمن انتقاد صریح از برنامه وزارت کار در خصوص کاهش سهم کارفرما در پرداخت بیمه کارگران، این اقدام را به زیان کارگران و بطور کلی مزدبگیران کشور قلمداد کرده و تاکید کردند: "طرح وزارت کار مبنی بر کاهش سهم بیمه کارفرمایان توسط سازمان تامین اجتماعی دراصل از کیسه خلیفه بخشیدن است. با این کار امکان بوجود آمدن مشکلات دیگر نیز وجود دارد که حتی موجب کاهش خدمات سازمان تامین اجتماعی می شود. اگر هشت درصد از سهم بیمه کارفرمایان کاهش یابد با رقمی حدود هزار میلیارد تومان کسری در سازمان تامین اجتماعی مواجه می شویم."

علاوه بر این، خبرگزاری "ایسنا"، ۲۰ آبان ماه، در گزارش از وضعیت قراردادهای موقت و اصلاحیه قانون کار از قول دبیر اجرایی خانه کارگر تبریز نوشت: "قراردادهای موقت کار در کارهایی با ماهیت مستمر و دائمی آن قدر رشد داشته است که بیش از ۸۰ درصد از کارگران حاضر در کارخانجات و در بدنه تولید را کارگران قرارداد موقت کار تشکیل می دهد. بنابر این با اهدافی که پشت پرده دنبال می شود باید قراردادهای موقت کار را برده داری نوین قرن ۲۱ محسوب کرد. واگذاری کارخانجات به بخش خصوصی و خصوصی سازی آن ها، معضل بسیار عظیمی برای صنعت و جامعه کارگری [بخوان طبقه کارگر] شده است و به یک غول ترسناک و هولناک تبدیل گشته است. کارخانه های دولتی به هر کسی واگذار می شود به طوری که واگذاری ها به قیمت ناچیزی صورت می گیرد و یا سهام آنها در یک دقیقه با دست های نامریی برای اشخاص نامعلوم خریداری می شود."

حال با این اوصاف بر تبلیغات وزارت کار در باره به اصطلاح اشتغال زایی چه نامی می توان گذاشت؟! یکی از جنبه های بسیار مهم اقدامات وزارت کار، معرفی تشکل های ساخته و پرداخته خود به مجامع بین المللی است. به گزارش "ایسنا"، ۳۰ آبان ماه، جهرمی در دیدار با مدیر اجرایی استاندارد های بین المللی کار سازمان بین المللی کار (ای.ال.او) اظهار داشت: "رویکرد سیاسی تشکل هایی که می کوشند خواسته های صنفی کارگران و کارفرمایان را نمایندگی کنند، اختلال هایی جبران ناپذیر در حوزه روابط کار به وجود می آورد. اراده سیاسی وزارت کار و امور اجتماعی جمهوری اسلامی ایران بر تعمیق روابط ایران با سازمان بین المللی کار استوار است."

البته وزیر کار دولت احمدی نژاد هنگامی از تعمیق روابط با نهادهای بین المللی در مسایل کارگری به ویژه سازمان بین المللی کار سخن می گوید و رقبای خود از جمله "خانه کارگر" را به غیر صنفی بودن متهم می کند که، با دخالت آشکار در امور تشکل های کارگری، با اختصاص میلیون ها تومان اعتبار، سازمان هایی دروغین را تحت عنوان تشکل های مستقل کارگری تاسیس می کند. اخیرا دولت احمدی نژاد با ابتکار وزارت کار اعتباری بالغ بر ۵۰ میلیارد ریال به تشکل های حامی دولت اختصاص داده است. خبرگزاری "ایسنا"، ۲۰ آبان ماه، در گزارشی از نشست مشترک "خانه کارگر" آذربایجان شرقی با اعضای انجمن صنفی روزنامه نگاران این استان اعلام داشت که، دولت ۵۰ میلیارد ریال در کنار دیگر

امکانات به تشکل های حامی خود اختصاص داد. حال چگونه می توان از حمایت وزارت کار این دولت از تشکل های مستقل در چارچوب مقررات جهانی و ضوابط سازمان بین المللی کار سخن به میان آورد؟! وزارت کار با برنامه ای حساب شده، ضمن مانور و اصلاح ۱۰ ماده قانون کار به زیان مزدبگیران و در راستای تامین امنیت سرمایه به منظور پیوستن به سازمان تجارت جهانی، تشکل هایی ارتجاعی را با حمایت مالی و تدارکاتی تقویت می کند تا به مجامع بین المللی به عنوان نماینده کارگران ایران معرفی سازد. هم اکنون تمام امکانات و توانایی های وزارت کار در دولت ضد کارگری احمدی نژاد در خدمت این هدف قرار گرفته است. ترفند تازه وزارت کار مستقیما منافع و حقوق طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان میهن ما را آماج خود قرار داده است، باید باهوشیاری و تقویت صفوف جنبش مستقل سندیکیایی این ترفند را افشا و خنثی کرد!

ادامه کنفرانس جهانی بر ضد جنگ ...

میلیون ها شهروند انگلیسی را بر ضد سیاست های جنگ طلبانه دولت بوش و بلر تجهیز و به خیابان کشانده است، سازمان دهی شده بود. آندرو ماری، مسئول جنبش "جنگ را متوقف کنید" ضمن اشاره به موفقیت چشمگیر جنبش ضد جنگ در سراسر اروپا و جهان و برگزاری این کنفرانس بر اهمیت به وظایف نیروهای صلح دوست و مترقی در شرایط حساس کنونی اشاره کرد و گفت باید تمام نیرو را برای جلوگیری از جنگی دیگر بسیج کرد. تونی بن، از رهبران سرشناس چپ، عضو سابق پارلمان انگلیس و صدر جنبش "جنگ را متوقف کنید" نیز در سخنانی ضمن اشاره به اهمیت کنفرانس و اهمیتی که جنبش صلح در شرایط کنونی دارد به سیاست های فاجعه بار امپریالیسم در عراق و افغانستان اشاره کرد و همه شرکت کنندگان را به تشدید تلاش ها برای جلوگیری از جنگی دیگر فرا خواند.

در بخش اساسی یی از کنفرانس که به مسئله ایران اختصاص یافته بود خانم مرتضائی لنگرودی، نماینده "مادران در مخالفت با جنگ"، عباس عدالت، از کارزار "مخالفت با تحریم بر ضد ایران"، خانم الهه رستمی "کارزار ایران" و محمد امیدوار، نماینده حزب توده ایران بود که به دعوت رهبری جنبش "جنگ را متوقف کنید" در آن شرکت کرده بودند. نماینده حزب در سخنرانی خود ضمن اشاره به شرایط دشوار و خطرناک جهانی و اهمیت این مسئله که ریشه های اساسی بحران کنونی را باید درک کرد تا بتوان افکار عمومی جهان را برای صلح بسیج کرد از جمله اشاره کرد که زمینه های اساسی بحران و تشنج کنونی عمدتاً به برنامه های امپریالیسم، خصوصاً امپریالیسم آمریکا برای کنترل سیاسی، اقتصادی و نظامی خلیج فارس و منابع عظیم نفتی و گازی آن مرتبط است. نماینده حزب در بخش دیگری از سخنرانی خود ضمن طرح این موضوع که مردم ما زخم های عمیقی از جنگ و خونریزی هنوز با خود دارند به شروع جنگ عراق بر ضد ایران، به عنوان یکی از توطئه های امپریالیسم آمریکا بر ضد جنبش جوان انقلابی ایران و صدمات فاجعه بار انسانی و اقتصادی جنگ تحمیل شده از سوی امپریالیسم اشاره کرد. نماینده حزب در بخش دیگری از سخنان خود ضمن پرداختن به سیاست های دولت احمدی نژاد به مبارزه مردم و نیروهای مترقی ایران برای دست یابی به آزادی و عدالت اجتماعی اشاره کرد و تأکید کرد که حزب توده ایران شدیداً با هرگونه دخالتی در امور داخلی ایران، به هر بهانه ای مخالف است. نماینده حزب سپس به تاریخ مداخلات امپریالیسم در امور داخلی میهن ما پرداخت و تجربه کودتای سیا در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سرنگونی دولت ملی دکتر مصدق و کشتار و زندانی کردن آزادی خواهان، از جمله شمار زیادی از اعضای حزب ما، این کودتا را تنها نمونه ای از این دخالت ها و نتایج تلخ و مخرب دخالت های امپریالیسم در ایران اعلام کرد. نماینده حزب در بخش پایانی سخنرانی خود ضمن اشاره به تلاش های گوناگون نیروهای ترقی خواه در ایران برای ایجاد یک کارزار وسیع صلح از جنبش جهانی بر ضد جنگ و برای صلح خواست تا از این تلاش های ارزنده دفاع کند و با ایجاد ارتباط هماهنگ و نیرومندی با این تلاش ها جلوی سیاست های مخرب ارتجاع و امپریالیسم در منطقه را سد کند.

کنفرانس در پایان کار خود با صدور قطعنامه ای که به تصویب شرکت کنندگان کنفرانس رسید خواهان پایان کامل اشغال افغانستان و عراق از سوی ایالات متحده و متحدان آن شد و مخالفت خود با هرگونه حمله ای به ایران اعلام کرد. شرکت کنندگان در کنفرانس همچنین در رابطه با ضرورت هماهنگ کردن آکسیون های ضد جنگ بین المللی در سال ۲۰۰۸ تصمیم های مهمی اتخاذ کردند.

ادامه سرکوب فعالان زن...

شد) و فعالانی که در نشریات و وب سایت های مختلف، در انعکاس درد و رنج زنان ایرانی حاصل قوانین تبعیض آمیز قلم می زنند، مورد اتهام قرار گرفتند و به طور غیر قانونی بازداشت شدند. مریم حسین خواه، روزنامه نگار و عضو انجمن صنفی روزنامه نگاران، و جلوه جواهری، دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه شناسی، هر دو فعال حقوق زنان که در سایت های زنستان و تغییر برای برابری قلم می زدند، طی هفته های گذشته بازداشت و دربند عمومی زنان در اوین بسر می برند. حکم زندان و شلاق دلارام علی نیز هنوز نقض نشده است، از روناک و هانا اعضای کمپین یک میلیون امضاء نیز هیچ خبری از زندان به بیرون درز نمی کند و بسیاری از فعالان زن در انتظار نوبت دادگاه شان بسر می برند. اتهام فعالان زن اگر تا دیروز در پی سرکوب و ضرب و شتم تظاهرات قانونی و مسالمت آمیز آنان بر ضد نابرابری ها، "اقدام علیه امنیت کشور" مطرح می شد، امروز به علت فعالیت رسانه ای و افشای قوانین زن ستیز از جمله افشای لایحه حمایت از خانواده و نقش تاثیرگذار و بسیج کننده فعالان زن در رساندن آگاهی جنسی به جامعه مردسالار، "نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی" مطرح می شود.

"اکاذیب" مورد ادعای رژیم چپری نیست جز افشاگری بر ضد قوانین ارتجاعی نابرابری حقوقی و مدنی زنان و این دیدگاه واپس گرایانه مرتجعان حاکم که زنان را عملاً شهروندی درجه دو قلمداد می کنند. در واقع مشوش کنندگان واقعی اذهان عمومی، خود رژیم زن ستیز ولایت فقیه است که با حمایت از قوانین تبعیض آمیز تحت لوای اسلام و شرع و در این رابطه رد "کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان" (تقریباً همه کشورها حتی کشورهای اسلامی آن را امضا کرده اند) و ارائه لایحه ای از قبیل لایحه کذائی حمایت خانواده که امروزه مورد اعتراض قشرهای مختلف است، می خواهند وضعیت زنان را حداقل به ده ها پیش باز گردانند. جلوه جواهری فعال مبارز مدت کوتاهی قبل از دستگیری اش می نویسد: "...کنار هم بایستیم، از هر مسلک و جناح، اگر که نماینده مجلس هستیم، اگر عضو کمیسیون زنان قوه قضائیه هستیم، اگر فعال حقوق زنان هستیم یا حتی رهگذری، چرا که می دانیم تصویب این لایحه چگونه می تواند زندگی و امنیت خاطر میلیون ها خانواده هموطن مان را به چالش بگرداند..."

مبارزه و مقاومت تحسین برانگیز زنان به شیوه های مختلف اوج می گیرد. ۵۵۰ نفر از فعالان حقوق زنان طی نامه ای سرگشاده به نمایندگان زن مجلس، ضمن افشای برخی از مفاد لایحه ضد زن "حمایت خانواده"، از نمایندگان زن مجلس خواستند تا مشکلات و مصائبی را که این لایحه در صورت تصویب بوجود می آورد با شرکت نمایندگان قشرهای مختلف زنان در افکار عمومی و از جمله در صدا و سیما به بحث گذاشته شود و خطاب به آنان اعلام داشتند "تصمیمی اتخاذ کنیم که شرمنده فرزندان مان نشویم"

مادران صلح صدای اعتراض آمیز خود را بر ضد جنگ و جنگ افروزان در هر دو سو، بلندتر می کنند و ضمن بر شمردن وضعیت حساس منطقه و خطر بروز جنگ، هم صدا با همه نیروهای صلح دوست جهان، مسئولان کشور را فرامی خوانند تا به سیاست تشنج زای خود پایان دهند و می پرسند: "اگر پرونده هسته ای امری است مربوط به همه ایرانیان و سرنوشت فرزندان ما را رقم می زند، چگونه ما حق اظهارنظر مستقیم در باره این موضوع را که می تواند بر امنیت و سرنوشت ما و فرزندانمان تاثیرگذار باشد نداریم... تاریخ نشان داده که در هنگام جنگ ها، سختی ها و تحریم ها این مردم عادی اند که قربانی می شوند، نه صاحبان مال و جاه و قدرت..."

امروز زنان در همه اشکال مبارزه در جامعه حضور موثر و فعال دارند، حتی اگر به بند و زنجیر شان کشند باز صدای برابر خواهی و حق طلبانه آنان قطع نمی شود. در بند هم فریاد بر می آورند: "این جا زندان است و من زنی در میان زنانی که دردهای شان مثال روشن نابرابری است." (از نامه مریم حسین خواه از زندان اوین) آیا زنان مبارزه میهن ما و جنبش آزادی خواهانه آنان را می توان با سرکوب خاموش کرد؟ تجربه سه دهه مبارزات اخیر در شرایط بسیار دشوار و بغرنج پاسخی قطعی و منفی به این سؤال است.

آزادی برای همه زندانیان
سیاسی ایران!

کنگره «حزب چپ اروپا»

ما نولیرالیسم را به چالش می کشیم!

*** ملاقات و گفتگوی نماینده حزب با آقای لوتار بیسکی، صدر جدید حزب چپ اروپا، و فرانسیس وورترز، رهبر گروه نمایندگان کمونیست، چپ و سبز پارلمان اروپا**

*** شرکت فعال هیئت عراقی به سرپرستی رفیق مفید جزایری، عضو پارلمان عراق و از اعضای رهبری حزب کمونیست عراق، در این کنگره و توجهی که از سوی رهبران حزب چپ به راهکارهای حزب کمونیست عراق نشان داده شد، منعکس کننده اهمیتی است که از سوی چپ اروپا به تدقیق و پررنگ کردن نقش خود در قبال تحولات بفرنج خاورمیانه داده می شود.**



سیاسی حزب ما و از جمله بیانیه های مشترک مهم احزاب کمونیست-چپ جهان در رابطه با تحولات جاری ایران در مارس ۲۰۰۷ و سپتامبر ۲۰۰۷ از تبعات مشخص این رابطه بوده است.

دومین کنگره دو سند مهم "تزه های سیاسی" و بیانیه نهایی موسوم به "بیانیه پراگ" و قطعه نامه های متنوعی را مورد بحث قرار داد و به تصویب رساند. سند "تزه های سیاسی" به موازات ارائه نقدی پایه ای از "نولیرالیسم" به مثابه چالش اصلی در مقابل نیروهای چپ اروپا، در رابطه با تعریف خطوط عمده هویت، حیات، فعالیت و مبارزه "حزب چپ اروپا" کوشش می کند. در سند آمده است که در مرحله کنونی رشد سرمایه داری، فعالیت های سودا گرانه و "خصوصی سازی" نه فقط تجدید ساختار تولید را هدف قرار داده است بلکه در سازماندهی تمامی عرصه های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تاثیر کلیدی داشته است. سند تاکید می کند که روندی که از پیمان معروف "ماستریخت" در دهه ۱۹۸۰ میلادی، و با رهبری "مارگرت تاچر"، نخست وزیر دست راستی آن زمان انگلستان، شروع شد، حمله به شرایط زندگی و کار زحمتکشان اروپا را به دنبال داشته است. این سند اساسی کنگره مخالفت مردم با "همگرایی اروپا" را نتیجه عملکرد مدل غیر قابل دوام سیاسی، اکولوژی، پدر سالانه و اجتماعی ای می داند که "نابرابری ها، فجایع محیط زیست و شرایط کاری و زندگی ستوال برانگیز و مخاطره آمیز" محصولات آن می باشند، و می افزاید: "شرط قبول اتحادیه اروپا توسط شهروندان، ایجاد امکانات بیشتر برای شرکت آنان در امور است. چپ اروپا طرفدار دموکراتیزه شدن اتحادیه اروپا و ساختار های اداری آن است."

سند تزه ها در رابطه با شکل گیری حزب و توسعه آن به عنوان یک عنصر مبارزه با "بحران سیاست" که "یکی از خطرناک ترین اثرات مدل نولیرالی است که در بیست سال گذشته بر قاره اروپا تحمیل شده است"، همچنین اضافه می کند: "حزب چپ اروپا از طریق خواست احزاب سیاسی مدافع تغییرات اجتماعی و دموکراتیک، و ارائه جایگزین برای سیاست های نولیرالی، و از طریق مداخله و شرکت فعال آن در عرصه نهادهای اروپایی و در جنبش های جایگزین گوناگون، ایجاد شده است." به گفته سند حزب چپ اروپا: "برای صلح، دموکراسی، حقوق اجتماعی و سیاسی که پارامتر های جداگانه ای نیستند، بلکه اجزاء یک راه توسعه جایگزین در تمامیت خود می باشند یعنی توسعه قابل تداوم، مبارزه می کند."

سند "بیانیه نهایی" مصوبه کنگره در رابطه با تهدیدهای ایالات متحده بر ضد ایران متذکر می شود که: "کسانی در واشنگتن هستند که در تدارک جنگ دیگری هستند، این بار بر ضد ایران. دولت های اروپایی می بایست برخوردی که مبتنی بر جنگ است را رد بکنند. فقط از بین بردن تمام سلاح های هسته ای در خاورمیانه، از ماجراجویی نظامی جدید جلوگیری خواهد کرد. اختلافات در رابطه با مسئله برنامه اتمی ایران می تواند و باید از طریق مذاکره و با احترام به قوانین بین المللی حل بشود. زبان تهدید باید کنار گذاشته شود."

بحث در رابطه با مسئله فلسطین و بحران خاورمیانه با توجه به سابقه شرکت فعال بسیاری از احزاب متشکله حزب چپ در کارزار دفاع از حقوق مردم فلسطین، یکی از مشخصه های ویژه این کنگره بود. حضور هیئت

دومین کنگره حزب چپ اروپا در فاصله روزهای ۲۳ الی ۲۵ نوامبر در پراگ، پایتخت جمهوری چک، برگزار شد. نزدیک به ۴۰۰ نماینده که نیمی از آنان زن بودند، از طرف ۱۹ حزب عضو و ۱۰ حزب ناظر تشکیل دهنده "حزب چپ اروپا" در این کنگره شرکت داشتند. با توجه به اینکه برگزاری کنگره مصادف با هفته مبارزه با خشونت علیه زنان بود (۲۵ نوامبر روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان تعیین شده است) روز اول گردهمایی به فعالیت های زنان اختصاص داده شده بود، که در جریان آن نمایندگان زن در چارچوب سه کارگاه "حقوق زنان"، "در نفی خشونت علیه زنان" و "عدم ثبات شغلی و کار برای زنان" به بحث در مورد مسائل و مشکلات اجتماعی پرداختند.

نمایندگان ۳۶ حزب کمونیست، چپ، دموکراتیک و مدافع محیط زیست از کشورهای مختلف جهان، و از جمله از کوبا، چین و بولیوی، به عنوان میهمانان بین المللی کنگره به دعوت ارگان های رهبری "حزب چپ" در کنگره حضور داشتند. از ایران هیئت های نمایندگی حزب توده ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و یک جریان منتسب به چریک های فدائی خلق ایران (اقلیت) در این کنگره شرکت داشتند.

اهمیت این کنگره که هم در اسناد کلیدی آن و هم در بحث ها و مصوبات اصلی کنگره منعکس بود، را باید هم در کوشش آن برای تعریف هویت و جایگاه این حزب نسبتا جوان در صحنه مبارزات سیاسی اروپا، و هم در تدقیق موضع آن در رابطه با روند "همگرایی" و "انتگراسیون" اتحادیه اروپا که اکنون ۲۷ کشور اروپایی عضو آن هستند و در سال اخیر شاهد تلاش های جدی از سوی سرمایه داری نولیرال اروپا برای قبولاندن "قانون اساسی" بوده است، دانست.

"حزب چپ اروپا" در سال ۲۰۰۴ و متعاقب بحث های پر دامنه ای، که از نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ میلادی در بین احزاب کمونیست، سوسیالیست و چپ اروپا در جریان بود، و در رابطه با فعالیت هائی که در مقابله با بر آمدهای "جهانی شدن" سرمایه داری و از جمله چگونگی همکاری و عمل مشترک در انتخابات پارلمان اروپا و همچنین روند شکل گیری "فوروم اجتماعی جهانی" مطرح بود، شکل گرفت. از زمان برگزاری کنگره موسسان حزب در ماه مه ۲۰۰۴ در روم و اولین کنگره آن که دو سال قبل در آتن برگزار شد، "حزب چپ" در باز تعریف نقش خود به مثابه یک حزب فرا ملی، محدوده عمل خود در پهنه اروپا، و عملکرد هماهنگ در اتحادیه اروپا قدم های کلیدی ای برداشته است. نقش پررنگ حزب کمونیست "رفونداسیون" ایتالیا، حزب کمونیست اسپانیا، حزب کمونیست فرانسه و حزب "سوسیالیسم دموکراتیک" آلمان در تدوین مواضع کلیدی، شیوه عمل، ساختار های رهبری و سازمان دهی "حزب چپ اروپا" که در آغاز با عضویت ۱۱ حزب در کشورهای اتحادیه اروپا فعالیت خود را شروع کرد، مشخص بوده است.

حزب توده ایران از همان ابتدای پایه گذاری حزب چپ اروپا روند شکل گیری و تعریف هویت سیاسی و ایدئولوژیک آن را دنبال کرده و بر پایه روابط برادرانه و پرسابقه خود با برخی از احزاب متشکله آن، رابطه نزدیکی با آن داشته است. دعوت از نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران برای حضور، سخنرانی و تبادل نظر با گروه نمایندگی آن در پارلمان اروپا، در استراسبورگ، در ژوئن ۲۰۰۶، و همچنین حمایت رسمی "حزب چپ اروپا" از ابتکار های



بدرود ژاله اصفهانی خرم آن نغمه که مردم بسپارند به یاد

زندگی صحنه یکتای هنرمندی ماست
هر کسی نغمه خود خواند و از صحنه رود
صحنه پیوسته به جاست
خرم آن نغمه که مردم بسپارند به یاد

مسکو منتشر شد. این کتاب نخستین اثری است که به زبان روسی درباره نیما به چاپ رسید. ژاله در سال ۱۳۵۹، پس از پیروزی انقلاب بهمین به ایران بازگشت و به فعالیت های ثمر بخش فرهنگی پرداخت و سپس در پی یورش رژیم به نیروهای مترقی به مهاجرتی ناخواسته و مجدد کشانده شده و به لندن رفت و تا پایان عمر در آنجا زیست. از ژاله ۱۳ مجموعه شعر از جمله: اگر هزار قلم داشتم، البرز بی شکست، موج در موج، ترنم پرواز و شکوه شکفتن به جای مانده است. حزب توده ایران درگذشت ژاله اصفهانی را به بازماندگان ژاله و همه ادب دوستان میهن مان تسلیم می گوید. یادش گرامی باد!

پزندگان مهاجر در این غروب خموش
که ابر تیره تن انداخته، به قله کوه
شما شنابزده راهی کجا هستید
کشیده پر به افق، تک تک و گروه
گروه؟

پزندگان مهاجر دلم به تشویش است
که عمر این سفر دورتان دراز شود
به باغ، باد بهار آید و بدون شما
شکوفه های درختان سیب باز شود

ژاله اصفهانی، شاعر مردمی میهن ما، روز هشتم آذرماه ۱۳۸۶، در لندن، درگذشت. ژاله اصفهانی در طول حیات هشتاد و شش ساله اش همواره پایبند به آرمان های مردمی، در راه مردم زیست و برای مردم سرود.

ژاله اصفهانی، در سال ۱۳۰۰، در اصفهان تولد یافت و پس از پایان رساندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه به دانشکده ادبیات دانشگاه تهران رفت. در آن دوران بود که با فعالیت های روشنگرانه حزب توده ایران و نویسندگان، هنرمندان و شاعران توده ای آشنا شد. اولین کتاب شعر ژاله اصفهانی با عنوان "گل های خود رو" در سال ۱۳۲۳ در تهران منتشر شد. ژاله در سال ۱۳۲۶، به همراه همسرش ناگزیر به مهاجرت از ایران شد و به اتحاد جماهیر شوروی رفت. ژاله پس از مهاجرت، در باکو، دوره پنج ساله ادبیات را به پایان رساند و با آموختن زبان آذربایجانی بیش از هزار بیت از سروده های سخنوران کلاسیک و معاصر آذربایجان را به شعر فارسی برگرداند. ژاله در سال ۱۳۳۳ به مسکو رفت و در سال ۱۳۳۹ در درجه دکترا در رشته ادبیات، از دانشکده دولتی لمانوسف، مسکو، فارغ التحصیل شد و سپس به کار در انستیتوی ادبیات جهان ماکسیم گورکی پرداخت و در آنجا رساله ای به نام "نیما یوشیج پدر شعر نو پارسی" به زبان روسی نوشت که در

ادامه ما نولیر ایسم را به ...

های نمایندگی تمامی نیروهای چپ و ملی فلسطینی در کنگره، چندین قطعهنامه مشخص در رابطه با فلسطین، و تشکیل جلسه جنبی ویژه ای در پایان روز اول کنگره را باید انعکاسی از این مسئله دانست. در قطعهنامه مصوب کنگره در رابطه با خاورمیانه، از جمله اشاره می شود: "چپ اروپا از هدف نیروهای چپ فلسطینی برای خاتمه دادن به اشغال مناطق فلسطینی توسط اسرائیل، از جمله تخلیه شهرک های یهودی نشین در کرانه غربی و عقب نشینی از آنها، برچیدن دیوار حائل و ایستگاه های بازرسی، و ایجاد یک کشور مستقل فلسطینی در کرانه غربی و نوار غزه، و بیت المقدس شرقی به مثابه پایتخت آن، و برای یک راه حل عادلانه در رابطه با مسئله پناهندگان فلسطینی و حق آنان به بازگشت به سرزمین خود، بر پایه قطعهنامه های ۱۹۴، ۲۴۲، ۳۳۸، ۱۳۹۷ سازمان ملل حمایت می کند."

حضور هیئت نمایندگی حزب ما در کنگره پراگ، فرصت مناسبی برای تبادل نظر در رابطه با تحولات ایران، اروپا و جهان با رهبران و مسئولان "حزب چپ اروپا" و توافق در رابطه با همکاری های متقابل در عرصه های مبارزه برای صلح و دموکراسی بود. هیئت نمایندگی حزب در طول مدت کنگره نشست های سودمندی با هیئت های نمایندگی احزاب برادر و از جمله آکل قبرس، حزب کمونیست فرانسه، حزب کمونیست فنلاند، حزب کمونیست آلمان، حزب کمونیست آفریقای جنوبی، حزب کمونیست لبنان و حزب کمونیست عراق در رابطه با روابط متقابل و نیز تحولات پر شتاب در ایران و منطقه خاورمیانه انجام داد. در گفتگو با رفیق مفید جزایری، نماینده پارلمان عراق و عضو رهبری حزب کمونیست عراق، شرایط بحرانی عراق، تحولات سیاسی این کشور و روابط نزدیک بین دو حزب مورد بحث قرار گرفت. شرکت هیئت عراقی در این کنگره در شرایط حاضر و توجهی که از سوی رهبران حزب چپ به راهکارهای حزب کمونیست عراق نشان داده شد، منعکس کننده اهمیت است که از سوی چپ اروپا به تدقیق و پررنگ نمودن نقش خود در قبالت تحولات بفرنج خاورمیانه داده می شود. هیئت نمایندگی حزب همچنین گفتگوهایی با هیئت های نمایندگی نیروهای فلسطینی حاضر در کنگره در رابطه با تحولات ایران و فلسطین، و اثرات متقابل آن ها و ضرورت فعالیت های هماهنگ تر انجام داد. در ملاقات و گفتگویی با رفیق اوفوک اوراس، رهبر "حزب آزادی و همبستگی" ترکیه که در انتخابات اخیر این کشور از استانبول به پارلمان این کشور انتخاب شد، در رابطه با تقویت ارتباط بین دو حزب و تحلیل دو حزب در رابطه با تحولات سیاسی دو کشور تبادل نظر شد. هیئت نمایندگی حزب توده ایران در جریان کنگره ملاقات و گفتگو های سودمندی با رهبران حزب چپ اروپا و از جمله لوتار بیسکی، صدر "حزب چپ آلمان"، که در کنگره پراگ به سمت رهبر حزب چپ انتخاب شد، و همچنین رفیق فرانسویس وورتز، رهبر گروه نمایندگان کمونیست- چپ در پارلمان اروپا در رابطه با خطر بالا گرفتن درگیری های ایالات متحده و جمهوری اسلامی و تهدید حمله نظامی به ایران انجام داد.

لوتار بیسکی در ملاقات خود با نماینده حزب مان در رابطه با خطر جنگ گفت: "این جنگ برای اروپا خیلی خطرناک است. این جنگی است بر ضد آن کسانی در اروپا که با جنگ مخالفند. این جنگی است بر ضد فرهنگ اروپا." "جنگ بر ضد ایران از همه نظر یک فاجعه خواهد بود... باید راه های دیگری برای رسیدن به یک راه حل صلح آمیز وجود داشته باشد. بوش سیاست های غلطی

دارد و مشکلات بسیاری را برای بسیاری از مردم جهان ایجاد خواهد کرد."

درباره احتمال شرکت دولت آلمان در ماجراجویی احتمالی جورج بوش در ایران، رهبر چپ های اروپا خاطر نشان کرد: "دولت آلمان از جنگ بر ضد عراق حمایت کرد. درست است که سرباز نفرستاد اما آن ها هر اقدام دیگری را انجام دادند... اگر بوش جنگ دیگری را آغاز کند، احتمالاً دولت آلمان دنبال آمریکا خواهد رفت و این برای آینده آلمان بد خواهد بود."

فرانسویس وورتز درباره ارزیابی چپ اروپا از اوضاع گفت: "بدترین راه حل ممکن در این شرایط، یک جنگ دیگر است. جنگ به هیچ وجه و هرگز نمی تواند راه حل هیچ مسئله ای باشد... اگر چه ما انتقادهای شدیدی به مقام های ایرانی داریم، ولی از سوی دیگر نگران مردم و پیامدهای جنگ هم هستیم... به نظر من جنگ برای مردم فاجعه آفرین خواهد بود، و ناسیونالیسم به طور کلی، و ناسیونالیسم مذهبی را تقویت خواهد کرد. بنابراین، جنگ بدترین گزینه است و به همین دلیل است که ما به شدت و قاطعانه مخالف چنین دید و بینشی هستیم." رهبر نمایندگان پارلمانی چپ اروپا در رابطه با شیوه برخورد دولت های اروپایی با جمهوری اسلامی اشاره کرد: "ما به خوبی نسبت به بسیاری از مسایل و مضامین مشخص در ایران آشنایی و آگاهی داریم، ولی باید به پیمان منع گسترش تسلیحات هم احترام بگذاریم؛ ما باید برای آزادسازی المللی انرژی اتمی، و برای برخورد مثبت آقای البرادعی احترام قابل شویم. در نتیجه، ما نباید شرایط را برای موضع گیری های آقای احمدی نژاد تسهیل کنیم، بلکه باید زمینه این گونه برخوردها را از میان ببریم. به نظر من برخورد آقای بوش، و مناسفانه بسیاری از دولت های اتحادیه اروپا، به رفتار و شیوه برخوردهای احمدی نژاد کمک می کند و شرایط را برای موضع گیری های او آماده و تسهیل می کند."

حضور در کنگره دوم حزب چپ اروپا فرصتی مناسب برای تبادل نظر با احزاب چپ اروپا و طرح امکان فعالیت های مفید و مهمی در حمایت از جنبش مردمی در کشور برای صلح، دموکراسی، حقوق بشر، عدالت اجتماعی و برای طرد رژیم ولایت فقیه بود.

ادامه ۱۶ آذر، روز تولد شعار ...



ISNA

ISNA/PHOTO:SAMAN AGHVAMI

امسال در وضعیت دشوار و در حالی که رژیم استبدادی تلاش دارد تا حکومت پادگانی را بر دانشگاه های کشور حاکم کند، و با وجود حضور سنگین نیروهای نظامی برگزار شد. امسال نیز مانند سال های پیش هزاران دانشجوی مبارز در سراسر کشور این سالروز را با شعارها و پلاکاردهایی همچون "دانشجوی زندانی آزاد باید گردد"، "دانشجویان پلی تکنیک را آزاد کنید"، "سهام عدالت دانشجوی سه ستاره"، "دانشگاه تنها نیست"، "دانشگاه زنده است"، "مرگ بر دیکتاتور" و "آزادی و برابری" گرامی داشتند.

حقایق تاریخی درباره زمینه پیدایی ۱۶ آذر

در طول ۵۴ سال گذشته انبوهی از مقالات، و نوشته های گوناگون درباره ۱۶ آذر به رشته تحریر درآمد و بخش عمده بی از این نوشتار ها نه تنها حقایق تاریخی را عنوان نکرده اند که گهگاه در عمده ترین خطوط به تحریف این تاریخ پر افتخار جنبش دانشجویی پرداخته اند.

جنبش دانشجویی ایران دارای تاریخ پرافتخاری است و بحق می توان ادعا کرد که این جنبش در خلال سالهای طولانی مبارزه همواره فریادگر صادق خواستهای خلقهای میهنمان بوده است. اگر چه امپریالیسم و ارتجاع تلاش های زیادی کرده اند تا جنبش دانشجویی کشورمان را از بستر تکامل تاریخی و اجتماعی خود جدا سازند و در راه قدرتمندان و زورگویان به بیراهه کنند، اما با قاطعیت می توان گفت که در این امر به هیچ روی موفق نبوده اند. جنبش دانشجویی ایران با شناختی آگاهانه از سیر تکامل منطقی مبارزه و الزامات آن به پیکار بزرگ خود برضد استبداد و بی عدالتی ادامه داده است.

جنبش دانشجویی ایران در سده گذشته و در جریان مبارزات خلقهای ایران برای نیل به استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی دارای جایگاه ویژه ای است. این جنبش ریشه در سنن درخشان نشات گرفته از مبارزان انقلاب مشروطیت، مبارزه شورانگیز حیدر عمو اوغلی و نبرد جانانه و دلیرانه دکتر ارانی و یارانش با دیکتاتوری رضاخانی و ارتباط نزدیک این مبارزه با نیروهای مردمی بویژه دانشجویان و روشنفکران دارد.

جنبش دانشجویی ایران نزدیک به هفت دهه پیش و با تأسیس مدارس عالی و نخستین دانشگاه ایران یعنی دانشگاه تهران آغاز می گردد. شکل گیری این جنبش در شرایط تسلط استبداد رضا شاه و اکنشی در برابر محرومیت ها، ستمگری ها و بی قانونی های جامعه آن روز ایران بود. وجود این عوامل عینی همراه با راهنمایی های روشنگرانه مبارزان مترقی آن دوران، موجب آن گشت تا دانشجویان ایران خیلی زود به عنوان یک نیروی آگاه و مهم وارد صحنه فعالیت اجتماعی کشور شوند.

اعتصاب دانشجویان دانشسرای عالی در سال ۱۳۱۵ (نخستین جنبش اعتصابی دانشجویان در ایران) تأثیر شگرفی در شکستن سکوت گورستانی آن دوران جامعه ایران بر جای گذاشت. این اعتصاب و اعتصابات پیاپی دیگری که در سالها ۱۳۱۶-۱۳۱۵ در دانشکده فنی، پزشکی، حقوق، علوم و ادبیات دانشگاه تهران صورت گرفت از آن جهت حائز اهمیت است که در عین مبارزه برای خواستهای صنفی نشانگر آگاهی فزاینده اجتماعی و سیاسی دانشجویان ایران بود. با واژگونی رژیم استبدادی رضا شاه در شهریور ۱۳۲۰ و بر خورداری جامعه آنروز ایران از برخی آزادیهای نسبی، فعالیتهای دانشجویان در راه تشکیل سازمانی آغاز گشت. این فعالیتهای در اوائل سال تحصیلی ۱۳۲۳ - ۱۳۲۴ به پایه گذاری اتحادیه دانشجویان دانشکده های پزشکی، داروسازی، دندان سازی و آموزشگاه عالی مامایی انجامید. در سالهای ۱۳۲۵ - ۱۳۲۴ دانشجویان

دانشکده های فنی، علوم و کشاورزی نیز سازمانهای خود را تشکیل دادند. فعالیت جنبش دانشجویی ایران در این دوران و پس از فروکش نسبی و موقت مبارزه، پس از سرکوب نهضت دموکراتیک آذربایجان، مجدداً در سال ۱۳۲۶ اوج می گیرد و اندک اندک گسترش می یابد. در سال تحصیلی ۱۳۲۸ - ۱۳۲۷ اولیای دانشگاه کوشیدند تا با طرح تعهدنامه، دانشجویان را از هرگونه فعالیت صنفی و سیاسی محروم سازند. مبارزه بر ضد این تعهدنامه به تشکیل "سازمان موقت دانشجویان کوی دانشگاه" منجر گشت. پس از ترور نافرجام محمد رضا شاه در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ عده بی از مبارزترین دانشجویان دانشگاه تهران قربانی ترور و اختناق رژیم شاه شدند. اعتراض دانشجویان مقیم کوی دانشگاه تهران به شرایط زندگی خویش در آبان و آذر ۱۳۲۸، سرانجام در تاریخ ۹ آذر ۱۳۲۸ به پایه گذاری "سازمان موقت دانشجویان کوی دانشگاه" انجامید.

در جریان اعتصاب ۴ ماهه دانشجویان دانشکده پزشکی در سال ۱۳۲۹ دانشجویان بیش از پیش به ضرورت پی ریزی یک سازمان واحد و متشکل صنفی پی بردند. پس از تشکیل سازمان دانشجویی در دانشکده های مختلف سرانجام در ۲۲ اردیبهشت ۱۳۲۹ نمایندگان منتخب سازمان ها برای تشکیل سازمان دانشجویان دانشگاه تهران گرد هم آمدند و در ۲۴ اردیبهشت در گردهمایی باشکوهی در محوطه دانشگاه تهران تأسیس "سازمان دانشجویان دانشگاه تهران" را اعلام کردند.

در دوران ملی شدن صنعت نفت نهضت ضدامپریالیستی و دموکراتیک ایران از جمله جنبش دانشجویی به اوج خود رسید. دانشجویان ایران دوش بدوش سایر هم میهنان خود علیه استعمار و در راه اهداف آزادیخواهانه نهضت ملی گام برداشتند و از همین رو نیز از توطئه نیروهای ارتجاعی در امان نبودند. کودتای شوم ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که از سوی سازمان اطلاعات و امنیت آمریکا (سیا) طراحی و سازماندهی و با همکاری ارتجاع داخلی به پیروزی رسیده بود از همان آغاز در پی آن بود که به آرزوی دیرینه و کینه توزانه ارتجاع در تلاشی قطعی جنبش دانشجویی ایران جامه عمل بپوشاند. از همین رو بلافاصله پس از کودتا عده زیادی از دانشجویان دستگیر و یا از دانشگاه اخراج شدند. همچنین از فعالیت قانونی و علنی سازمان دانشجویان دانشگاه تهران نیز جلوگیری بعمل آمد. اما علیرغم آن همه دانشجویان از همان فردای کودتا، این توطئه ضد خلقی و ضد دانشجویی را محکوم کردند و آمادگی خود را برای پیکار برضد رژیم کودتا اعلام داشتند.

هنوز کوتاه زمانی از کودتای امپریالیستی و ارتجاعی ۳۲ نگذشته بود که مبارزات خلقهای ایران و همگام با آنان دانشجویان دانشگاهها بار دیگر آغاز شد. نخستین اعتصاب هماهنگ و یکپارچه نیروهای ملی در ۱۶ مهر ۱۳۳۲ بر ضد کودتا برگزار شد. در این تظاهرات همه نیروهای ملی و در راس آنان حزب توده ایران، جمعیت ملی مبارزه با استعمار و جبهه ملی شرکت کردند. حزب ما تظاهرات آنروز ۱۶ مهر را نقطه آغاز اقدام مشترک نیروهای ضد استعماری به هدف تحصیل استقلال ملی ارزیابی کرد. در پی این تظاهرات در تاریخ ۲۱ آبان ۳۲، بدعوت جمعیت ملی مبارزه با استعمار بار دیگر تظاهرات وسیعی با شعارهای "تأمین آزادیهای دموکراتیک"، "آزادی دکتر مصدق و سایر زندانیان سیاسی"، "طرد استعمارگران" و "جلوگیری از کشاندن شدن ایران به دسته بندی های نظامی" برگزار شد. دانشجویان با تعطیل دانشگاه و شرکت در تظاهرات ۲۱ آبان ۱۳۳۳ مردم تهران علیه حکومت کودتا، همبستگی خود را با هم میهنان خویش بیثبات رساندند.

برگزاری این دو حرکت وسیع مردمی در ۱۶ مهر و ۲۱ آبان در واقع زمینه ساز حماسه ۱۶ آذر ۳۲ گردید. پاپای اقدامات خیانت آمیز کودتاگران، فعالیتهای مقاومت آمیز مردم و دانشجویان نیز ادامه یافت. در ۱۶ آذر ۱۳۳۲ دانشجویان دانشگاه تهران شرکت خود را در اعتراضات مردم تهران علیه تجدید روابط دیپلماتیک با بریتانیا و دعوت ریچارد نیکسون،

ادامه ۱۶ آذر، روز تولد ...

معاون آیزنهاور رئیس جمهور وقت آمریکا، اعلام داشتند. حکومت کودتا برای جلوگیری از این اعتراضات عده ای از نظامیان خود را برای اشغال دانشگاه فرستاد. آنها برای دستگیری دو تن از دانشجویان دانشکده فنی مستقیماً به کلاس درس رفتند. اعتراض استاد و دانشجویان به این عمل وحشیانه با تهدید مسلحانه نظامیان روبرو شد. استاد و دانشجویان به عنوان اعتراض کلاس درس را ترک گفتند و رئیس دانشکده فنی پس از این عمل شرم آور و بعنوان اعتراض به نقض اصل استقلال و حرمت دانشگاه، تعطیلی دانشکده را اعلام داشت. موجی از خشم خروشان دانشکده فنی را فراگرفت. فریاد "دست نظامیان از دانشگاه کوتاه"، "درود بر مصدق نخست وزیر قانونی"، "اتحاد مبارزه پیروزی" از هر گوشه طنین افکند و سرتاسر فضای دانشگاه را به لرزه درآورد. در این هنگام رگبار مسلسل ها دانشجویان آزادی خواه و مبارز را هدف قرار داد و سه تن از دانشجویان دلبسته به راههای مصطفی بزرگ نیا (عضو رهبری سازمان جوانان توده ایران)، مهدی شریعت رضوی (عضو سازمان جوانان توده ایران) و احمد قندچی (عضو جبهه ملی ایران) به ضرب گلوله و سرنیزه از پای درآمدند و به شهادت رسیدند. در این یورش گزندگان استبداد، عده زیادی از دانشجویان زخمی و یا دستگیر شدند. متعاقب آن در روزهای ۱۷ و ۱۸ آذر مردم تهران همراه با شرکت وسیع دانشجویان و دانش آموزان دبیرستان ها، به روابط دیپلماتیک با بریتانیا، بازدید نیکسون و به ویژه یورش دامنشانه نظامیان به دانشگاه و قتل سه دانشجوی آزادی خواه اعتراض کردند. دامنه اعتراضات چنان وسیع بود که رژیم کودتا مجبور شد تا در ظاهر از عمل نظامیان خود ابراز ندامت کند.

جاری شدن خون این سه مبارز راه آزادی، با داشتن دیدگاه های متفاوت فکری در نبردگاه دانشگاه تهران هنوز هم پس از گذشت ۵۴ سال الهام بخش دانشجویان ایران است. بدینسان ۱۶ آذر بعنوان مظهر پیکار متحد دانشجویان میهن دوست و آزادی خواه کشور بر ضد امپریالیسم و ارتجاع در تاریخ درخشان جنبش دانشجویی ایران به ثبت رسید. دانشجویان ایران ۱۶ آذر را روز دانشجویان ایران اعلام داشتند و از آن پس همه ساله با تجلیل از خاطره شهیدان جنبش دانشجویی عزم راسخ خود را در راه نیل به شعار "اتحاد، مبارزه، پیروزی" اعلام می نمایند.

جنبش دانشجویی کشور در برابر وظایف حساس و تاریخی

در تمامی دوران پنجاه و چهار سال پس از ۱۶ آذر ۱۳۳۲، جنبش دانشجویی کشور به عنوان یکی از گردان های رزمنده جنبش مردمی میهن نقش حساس و مهمی را در رویدادهای کشور ایفاء کرده است. به عنوان نمونه مبارزه چشمگیر و موثر جنبش دانشجویی در جریان همه پرسی دوم خرداد ۱۳۷۶ و شکست سنگین ارتجاع حاکم نشان داد که این جنبش می تواند نقش مهمی به عنوان حلقه واسط بین گردان های رزمنده جنبش را بازی کند. تلاش در راه پیوند زدن جنبش های اجتماعی دانشجویان، جوانان، زنان و کارگران و زحمتکشان کشور و جهت سیاسی دادن به این مبارزه از جمله مسایل مهمی است که در برابر جنبش دانشجویی کشور قرار دارد. تجربه ده سال گذشته نشان داده است که نمی توان با سازش با استبداد به تحقق امر اصلاحات در ایران امید بست. تجربه ده سال گذشته نشان داد که تنها با مبارزه متحد و سازمان یافته مردم است که می توان استبداد را به عقب نشینی وادار کرد. جنبش دانشجویی کشور می تواند در این زمینه نقش فعال و مهمی را عهده دار گردد. بسط و ارتقاء کیفیت سازمان یافتگی جنبش دانشجویی کشور گام مهمی در راه تشدید مبارزه بر ضد رژیم ولایت فقیه و ایجاد زمینه در راه ایجاد یک جبهه واحد ضد دیکتاتوری از همه نیروهای آزادی خواه و مترقی کشور بر ضد رژیم استبدادی حاکم باشد.

امسال سالگرد ۱۶ آذر همچنین مصادف بود با یورش گزندگان امنیتی رژیم به تجمع دانشجویان چپ و دستگیری شماری از این مبارزان راه آزادی. همبستگی طیف های گوناگون فکری دانشجویی با این مبارزان در بند نشان سالم و ارزشمندی در همبستگی استوار جنبش دانشجویی کشور و پایبندی آنان به سنن ارزشمندی است که شهدای ۱۶ آذر ۱۳۳۲،

در تاریخ مبارزات مردم میهن ما بر جای گذاشتند.

حوادث ماه های اخیر نشانگر هدف روشن ارتجاع برای درهم کوبیدن جنبش دانشجویی کشور، و سازمان دهی "انقلاب فرهنگی" دیگری برای پاکسازی وسیع دانشگاه های کشور است. پرویز داودی، معاون احمدی نژاد، در زمینه ضرورت "اسلامی کردن" دانشگاه های کشور و از بین بردن تفکرات مترقی در محیط های آموزشی خطاب به مزدوران رژیم در دانشگاه ها می گوید: "شما (استاد و دانشجویان بسیجی) را خودی دولت نهم می دانم نسبت به نفوذ افرادی که دارای تفکر بسیجی نیستند هوشیار باشیم، اینها بیکار نمی نشینند و باز هم قصد نفوذ دارند... آیا پس از سی سال از پیروزی انقلاب محتوی درس های علوم انسانی را اسلامی کرده ایم؟ آیا بسیاری از درس هایی که در دانشگاه ارائه می شود، همان درس دیکته شده غرب نیست که اکنون هم داریم تکرار می کنیم؟ آیا در بدنه کارشناسی مان توانسته ایم اسلام [بخوان اهداف رژیم ولایت فقیه] را جلو ببریم؟"

در همین همایش رحیم صفوی فرمانده سابق سپاه و مشاور عالی کنونی ولی فقیه طی سخنانی با حمله به دانشجویان دگراندیش، ترقی خواه و اساتید به اصطلاح غیر خودی آنها را عوامل خارجی لقب داد و با صراحت تأکید کرد: "دانشگاه با مدیریت بسیجی موفق است."

پیش از این نیز در ماه های گذشته علی خامنه ای با حمله به دانشجویان به ویژه دانشجویان ترقی خواه و تهدید علنی آنها به سرکوب، خواستار تغییر فضای سیاسی و علمی دانشگاه ها در راستای اهداف رژیم شده بود. این مواضع و تلاش ها ناشی از نقش پر اهمیت جنبش دانشجویی در مجموعه جنبش دمکراتیک و آزادی خواهانه میهن ماست. در سال های اخیر با رشد کیفی جنبش دانشجویی، بر میزان و سطح همبستگی آن با دیگر گردان های جنبش مردمی به ویژه جنبش کارگری و زنان افزوده شد و در نتیجه هم این جنبش نیرومند تر و هم جنبش مردمی سراسری پرتوان تر گردیده است. رویکرد به سنن و سابقه و تاریخ جنبش دانشجویی به ویژه طی چند سال گذشته از دیگر مواردی است که می توان بر آن انگشت نهاد و به عنوان شاخص فوق العاده پر اهمیتی در ارتقاء سطح جنبش دانشجویی بر آن تأکید کرد.

در اوضاع فوق العاده حساس کنونی تحکیم پیوند مبارزات جوانان و دانشجویان با مبارزه کارگران و زحمتکشان و تقویت جنبش دمکراتیک و آزادیخواه مردم در راستای مقابله با ماجراجویی های دولت احمدی نژاد و بهانه جویی های امپریالیسم که خطرات بزرگی را برای آینده و سرنوشت کشور پدید آورده اند، حائز اهمیت فراوان است. لذا جنبش دانشجویی با توجه به نقش موثر آن در تحولات می باید از سویی به تقویت و تحکیم موقعیت خود بپردازد و از دیگر سو با درک واقع بینانه از وضعیت موجود و آرایش سیاسی در کنار نیروهای ملی، مترقی و آزادی خواه کشور در راه ختنی سازی ماجراجویی های دولت احمدی نژاد و تهدیدات امپریالیسم مبارزه کند. نا گفته پیداست، ارتجاع می کوشد جنبش دانشجویی را علاوه بر سرکوب، به بیراهه کشانده و نیرو، استعداد و توان آن را به هز برده و در مسیر انحرافی خاموش سازد. باید با هوشیاری و درایت از چنین دام هایی پرهیز کرد! به ویژه دانشجویان چپ که مدافع دموکراتیسم و مردم گرایی هستند و نقش آنها در جنبش دانشجویی بی بدیل است، باید حد اعلا هوشیاری را در نبرد دشوار کنونی با ارتجاع حاکم بکار برند. دانشجویان هوادار منافع زحمتکشان چون خاری در چشمان ارتجاع حاکم هستند و در چند سال اخیر شاهد انواع توطئه ها بر ضد آنها بوده ایم. یکی از محورهای اصلی تقویت بسیج دانشگاه ها و شعار تغییر فضای مراکز آموزش عالی هدف قرار دادن همین دانشجویان چپ و دگر اندیش است!

۱۶ آذر-روز دانشجو-که با خون سه دانشجوی مبارز، مصطفی بزرگ نیا عضو کمیته مرکزی سازمان جوانان حزب توده ایران، مهدی شریعت رضوی عضو سازمان جوانان حزب توده ایران و احمد قندچی از هواداران جبهه ملی ایران آبیاری و به یک سنت درخشان انقلابی بدل گردیده، روز مبارزه برای صلح، مبارزه برای آزادی و عدالت اجتماعی، اتحاد وسیع بر ضد امپریالیسم و استبداد و ارتجاع و روز مبارزه برای پیروزی مردم و نیل به استقلال و تأمین حاکمیت ملی در رویارویی با رژیم ولایت فقیه است!

۱۶ آذر بار دیگر فرخنده باد! درود بر دانشجویان مبارزی که در شکنجه گاه های رژیم فقها در راه آرمان های والای آزادی و عدالت اجتماعی می رزمند.



مثال مشخص در این رابطه طرح "نقشه راه" می باشد که در سال ۲۰۰۳ و در اوج بحران ناشی از حمله نظامی و اشغال عراق برای صلح بین اسرائیل و فلسطین مطرح شد، اما ۴ سال پس از امضای آن مشکلات همگی به جای خود باقی هستند و تقریباً کسی از "نقشه راه" نام نمی برد. با پایان یافتن کنفرانس آنابولیس، و آغاز مذاکرات در واشنگتن، نمایشی و بی محتوی بودن آن کاملاً مشخص شده است. دیدگاه های متفاوت سران دو دولت، فاصله ی عمیق بین خواست های آنها را نشان می دهد. محمود عباس در واشنگتن گفت: "من باید از حقوق مردم خودم دفاع کنم" و به دنبال آن خواست های فلسطینی ها را برشمرد که شامل، آزادی زندانیان فلسطینی از زندان های اسرائیل، برچیدن "پست های بازرسی نظامی" و برچیدن دیوار "حائل" بود. خواسته هایی که به صراحت از سوی نمایندگان رسمی دولت اسرائیل مردود شمرده شده اند. در واقع این مذاکرات صلح بین دو دیدگاه کاملاً متفاوت می باشد. نیروهای ترقی خواه فلسطینی خواستار بازگشت آوارگان خود به کشورشان و زندگی در میهن خود هستند، اما در این مناطق هم اکنون شهرک های اسرائیلی بنا شده اند و دولت اشغالگر در صدد الحاق دائمی و ضمیمه کردن آنها به اسرائیل است. "عمر موسی"، دبیر کل اتحادیه عرب، پیش از ترک واشنگتن گفت: "اگر از من بپرسید که آیا اسرائیل حقیقتاً خواهان رسیدن به صلح است، پاسخ من منفی است".

در تحلیل دلایل شکست محتوم راه حل های پیشنهادی کنفرانس آنابولیس باید اذعان داشت که در کنار تاثیر مشخص عوامل خارجی، آنچه حصول صلح و مبارزه برای آن را در سال های اخیر مشکل تر کرده است، درگیری ها و اختلاف های درونی در بین نیروهای فلسطینی می باشد که در عمل دست اسرائیل را برای مانور و به عقب راندن خواست های مردم فلسطین باز نگه داشته است. در شرایط کنونی اتحاد نیروهای فلسطینی می تواند گامی جدی برای فشار به اسرائیل و وادار کردن آن به شرکت جدی در گفت و گوهای صلح باشد، آنچه که اسرائیل تاکنون در همکاری با ایالات متحده، از آن امتناع کرده است.

کنفرانس آنابولیس: تکرار عبث آزموده ها؟

پس از هفته ها تبلیغ پر سر و صدا در رابطه با ابتکار جدید آمریکا، برای حل مسئله خاورمیانه، روز ۶ آذر ماه (۲۷ نوامبر)، کنفرانس آنابولیس با حضور محمود عباس، رهبر تشکیلات خودگردان فلسطین، و اهود اولمرت، نخست وزیر اسرائیل، و در حضور جمعی از سران کشورهای عربی، برگزار شد. کشورهای عضو اتحادیه عرب در راستای پیروی معمول خود از سیاست های کلیدی ایالات متحده، پس از نشست ۲ آذر ماه خود، در قاهره، تصمیم به شرکت در کنفرانس آنابولیس گرفتند. نزدیک به پنجاه کشور و سازمان بین المللی از جمله مهمترین قدرت های جهانی در کنفرانس آنابولیس شرکت داشتند.

جورج بوش برای پاسخگویی به انتقادهای سختی که در مورد شکست سیاست های ایالات متحده در خاورمیانه، بر ضد دولت او وجود دارد، حمایت مستقیم خود را از این کنفرانس که با هدف اعلام شده "شروع جدیدی از مذاکرات صلح بین اسرائیل و فلسطین"، سازماندهی شده بود، اعلام کرد. این اجلاس در شرایطی برگزار شد که هیچ تغییر ویژه و جدیدی در مواضع و سیاست های ایالات متحده و اسرائیل صورت نگرفته بود. حتی به اعتراف برگزار کنندگان کنفرانس نیز، هدف از برگزاری آن دست یابی به یک توافق نامه و یا قطعنامه برای صلح نبود، بلکه در اساس "آغاز" دور جدیدی از مذاکرات در آینده برای صلح بود. مذاکراتی که اسرائیل و متحدان آن هیچگونه تعهدی در رابطه با اجرای قطعنامه ها و مصوبه های آن نداشته باشند، فقط نقش پرده استتاری است برای ادامه سیاست های فاجعه بار ادامه اشغال و سرکوب. این حقیقتی است که پیش از آغاز اجلاس آنابولیس دو طرف از خواست های یکدیگر آگاهی داشتند، خواست هایی که از جانب یک طرف حق طلبانه و عادلانه و از جانب دیگر، سلطه جوانه و تجاوز کارانه است. جورج بوش در نطق افتتاحیه کنفرانس آنابولیس، در تایید شرایط موجود گفت: "هدف ما در آنابولیس انعقاد قرارداد نیست، بلکه آغاز مذاکرات جدید صلح میان اسرائیل و همسایگان عربی، از طریق ایجاد یک کشور جدید در خاور میانه است" (اینتر پرس ۲۷ نوامبر). آنچه که در روند طرح، سازماندهی و اجرای "نمایش" آنابولیس به خوبی روشن بود، اهمیت ندادن سازمان دهندگان این کنفرانس به موضوع حل پایه ای و عادلانه مسئله فلسطین بود. در واقع ایالات متحده تلاش دارد تا با برخی حرکت های بی محتوی و نمایشی در منطقه، افکار عمومی کشورهای عربی را به خود جلب کند و در سایه آن نیز بتواند از سویی پشتیبانی این کشورها را در جنگ صلیبی خود بر ضد "تروریسم" و "افراطی گری" به دست آورد و از سوی دیگر شرایط منزوی کردن ایران را فراهم سازد. بوش در بخشی از سخنان خود، هر چند که اسمی از ایران نبرد، گفت: "جنگی به خاطر آینده ی خاور میانه در حال تکوین است و ما نباید پیروزی را به افراطی ها تسلیم کنیم". نیویورک تایمز نیز با اشاره با این سخنان بوش خاطر نشان شد: "کنفرانس صلح خاور میانه در آنابولیس، به طور رسمی در مورد خاتمه بخشیدن به جنگ بین اسرائیل و فلسطین بود، اما در خفا هدف ناگفته ای وجود داشت، جلوگیری از رشد نفوذ ایران و رادیکالیسم اسلامی در منطقه". منتقدان سیاست های ایالات متحده در رابطه با عدم امیدواری خود به هرگونه نتیجه جدی از این کنفرانس مطرح کردند که این کشور تنها زمانی از "تفاهم"، "صلح"، و "گسترش" روابط بین کشورهای صحبت می کند که منافع مشخص و جدی در این حرکت ها داشته باشد.

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany آدرس های پستی:
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
http://www.tudehpartyiran.org آدرس های اینترنت و "ای-میل"
E-Mail: dabirxhaneh_hti@yahoo.de

Nameh Mardom No. 779
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

8th December 2007

شماره فاکس و تلفن
پیام گیر ما

۰۰۴۹۳۰
۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام
IRANe.V.
شماره حساب
790020580
کد بانک
10050000
بانک
Berliner Sparkasse